

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان



مختصری در مورد بعد از انتخابات
توسط نوح کابرن و آنا لارسون

چگونگی حمایت، طرز برخورد، وظایف، جمعیت شناسی چرا افغان ها در سال ۱۳۸۸ رای دادند



فهرست

۱. مقدمه..... ۱
۲. به روایتی دیگر: دلایل اشتراک رای دهندگان..... ۲
- ۱,۲. وظیفه مدنی و دینی..... ۲
- ۲,۲. فشار اجتماعی..... ۲
- ۳,۲. انگیزه های مادی..... ۳
- ۴,۲. تمایل نمایش قوت جامعه..... ۳
- ۵,۲. سوار شدن بر اسب پیروزی..... ۴
۳. چرا میزان اشتراک مردم بیشتر نبود؟..... ۴
۴. نتیجه گیری ها و پیامدها..... ۵

نوح کابرن بشرشناس اجتماعی فرهنگی در کابل می باشد که برای انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا کار می کند. نوح برنده بورسیه پرزیدنشال در پوهنتون بوستن می باشد که در آن پوهنتون در حال تکمیل پایان نامه دکتورای خود در مورد ساختارهای سیاسی محلی، تنازعات و دیموکراسی سازی افغانستان است. وی تحصیلات ماستری خود را در پوهنتون کلمبیا واقع در نیویورک تکمیل نموده است.

آنا لارسن منچیت یک محقق در تیم واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان فعالیت می کند و از سال ۱۳۸۳ بدین سو بالای مسایل مربوط به حاکمیت و توازن جنسیت در افغانستان کار می کند. وی تحصیلات ماستری خود را در زمینه خشونت، تنازع و توسعه از پوهنتون لندن SOAS به اتمام رسانده است.

کار ویرایش {متن انگلیسی} توسط چی لامی انجام شده است.

تیم تحقیقاتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان عکسهای روی جلد که از محلات رای گیری را گرفته است.

حق کاپی از دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می باشد.

حق هر نوع استفاده محفوظ است. هیچ کس حق بازتولید، ذخیره در سیستم قابل بازیافت، یا انتقال با هیچ گونه فرمت یا طریقه از قبیل پست الکترونیک، ثبت و یا غیره از هیچ قسمت این نشریه را قبل از اخذ اجازه کتبی از ناشر یعنی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ندارد. اخذ اجازه استفاده از طریق ایمیل ممکن می باشد: areu@areu.org.af و یا از طریق تلفون ۰۰۹۳۷۹۹۶۰۸۵۴۸.

۱. مقدمه^۱

رای دهندگان از مناطق شهرنشین و روستایی اطراف پایتخت افغانستان، علیرغم افزایش حملات شورشیان به تاریخ ۲۹ اسد به پای صندوقهای رای رفته تا در انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی سهمیه باشند. رسانه های بین المللی در روزهای قبل از انتخابات پیشبینی می کردند که با توجه به تهدیدات طالبان و ناامیدی مردم از یک پروسه دموکراتیک، حضور رای دهندگان کم رنگ باشد.^۲ با وجود چنین نگرانی ها و وقوع شش حمله بالای محلات رای دهی در پایتخت در نیمه های روز، ثابت شد که این احتمالات مبالغه می باشد و رای دهندگان در برخی از مناطق ولایت کابل در صفوف طولانی منتظر ماندند و بعد از خروج از محل رای دهی با شوق رنگی که به تازگی روی انگشتان خشک شده بود را نشان می دادند. رسانه های بین المللی در آن زمان این حرکت مردم را "سرپیچی از طالبان" خواندند، ولی تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان نشان می دهد که دلایل بسا پیچیده تری در عقب حضور عمومی ساکنان کابل در انتخابات خوابیده است که پیامدهایی در سالی که پیشرو است، خواهد داشت.

عملیات طالبان در اکثریت مناطق ولایت کابل کمتر شده و بالای زندگی روزمره مردم تاثیر کمی دارد. در واقع در جریان یک ماه تحقیق قبل از انتخابات در سه ولسوالی^۳ این ولایت، تیم تحقیقاتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان دریافت که نامی از مخالفان دولت برده نمی شود و حتی یکی از مصاحبه شوندها که تعدادشان به بیشتر از ۱۰۰ نفر می رسید دلیل رای دادن خود را سرپیچی از طالبان ابراز نداشتند. در عین زمان، در حالی که بسیاری از رای دهندگان بی تحملی خود را نسبت به دولت کرزی ابراز داشتند، و با درک اینکه علیرغم تمایل آنها، احتمالاً کرزی دوباره انتخاب خواهد شد، بیشترشان به پای صندوقهای رای حاضر شدند.

پس چه چیز می تواند حضور و شوق مردم این مناطق را در انتخابات توضیح دهد؟ هر چند که بعضی از رای دهندگان در انتخابات به حیث یک وجبیه ملی اشتراک کردند و یا اشتراک آنها به خاطر سهمیه بودن در یک پروسه دموکراتیک بوده، اکثر آنها به دلایل متنوع دیگری رای خود را به صندوق انداختند. همانگونه که در متن آمده است، نویسندگان این نشریه بدین باور اند که جهت درک انگیزه های رای دهندگان در ولایت کابل باید به فشارهای اجتماعی، انگیزه های مادی، آرزوی نمایش نیروی جامعه، و شوق "سوار شدن بر اسب پیروزی" متوجه بود.

بر علاوه، در عین حال که انتخابات گذشته هم ولایتی و هم در سطح ملی بود، واضح است که ساحه نفوذ سیاسی در هر منطقه اساسی ترین عامل تشکیل دهنده میزان اشتراک مردم و درک آنها از انتخابات را تشکیل می داد. نقش و تاثیرات عمومی "معامله گران سیاسی"^۴ محلی - کسانی که با کاندیدها بالای توانشان در اطمینان از حصول رای های گروهی، معامله می کردند، از اهمیت خاص برخوردار بود و در هر منطقه متفاوت بود. این معامله گران شامل ریش سفیدان و همچنان جنگسالاران سابق و در بعضی موارد جوانان شهری که برای کاندید خاصی فعالیت می کردند، بودند. این تنوع خود بیانگر این نکته است که بسیاری از افغانها در راستای تشکیل دموکراسی شفاف و جوابگو تلاش و مباحثه می نمایند.

گزارش مختصر حاضر نگاه کوتاهی دارد به بعضی انگیزه های شرکت در انتخابات ۲۹ اسد. طوری که در این گزارش آمده است، عموماً دلایل رای دادن (و رای ندادن) متنوع می باشد که طیف آن شامل نگرانی های فردی، مبتنی بر اجتماع محلی و ملی می باشد، و اغلب به شکل کاملاً محلی آن رونما می گردد. این متن زمینه ساز تحلیل عمیق و ارزیابی افغانستان در مورد رفتار رای دهندگان در این سه ولسوالی می باشد و در ماه میزان ۱۳۸۸ نشر می گردد.

^۱ وجه نقدی نشر این متن توسط دفتر انستیتوت بنیاد جامعه باز افغانستان (FOSIA)

^۲ به عنوان مثال می توانید به این منابع مراجعه کنید: کرولین بات "نقش بریتانیا قبل از انتخابات"، BBC ۲۸ اسد. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/8208543.stm; اد جانسن "به گزارش سازمان ملل تهدیدات امنیتی سر راه انتخابات افغانستان قرار می گیرد"، بلومبرگ، ۲۸ اسد، <http://www.bloomberg.com/apps/news?pid=20601091&sid=a0QQOamd1R8Co>; و پیتر گراف "سازمان ملل می گوید خشونت انتخابات افغانستان را تهدید می کند" روترز، ۲۸ اسد. <http://www.reuters.com/article/featuredCrisis/idUSN09399479>

^۳ استالیف، قره باغ و دشت برچی. استالیف ولسوالی کوچک و اکثرات تاجیک نشین در شمال غربی کابل می باشد. و در غرب کابل، ولسوالی قره باغ که متشکل از قریه پشتونها و تاجیکها می باشد، قرار دارد. هر دوی آنها روابط اجتماعی و اقتصادی با کابل دارند ولی عمدتاً مناطق روستایی محسوب شده که رهبران اجتماع محلی سیاستهای محلی مربوط به این ولسوالی ها را پیش می برند. دشت برچی منطقه نیمه شهری کابل و عمدتاً هزاره نشین محسوب می شود که بیشتر از یک میلیون نفوس دارد. ولی به عنوان یک ولسوالی مجزا از کابل به شمار نمی آید. دشت برچی یک منطقه برای مستقر شدن مجدد کسانی که از ایران عودت کرده اند و یا کسانی که از مناطق هزاره نشین افغانستان بیجا شده اند، می باشد. این سه منطقه به این دلیل انتخاب شدند که تفاوتهای زیادی از نظر ترکیب قومی، ساختارهای اقتصادی و مخصوصاً ساحه نفوذ سیاسی - که در گزارش بعدی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (در ماه اکتوبر) مفصلاً به آن خواهیم پرداخت، با یکدیگر دارند. این معلومات در جریان بیش از ۱۰۰ مصاحبه و مباحثه های متمرکز گروهی با رای دهندگان، کاندیدان، کمپاین کنندگان و مقامات محلی در ماه های سرطان و اسد ۱۳۸۸ توسط یک تیم شش نفره محقق بدست آمده است، که در ۲۵ مرکز رای دهی در روز انتخابات با شرکت کنندگان مصاحبه نمودند.

^۴ جهت رسیدن به تحلیل جامع در مورد معامله گران سیاسی در انتخابات، به این متن مراجعه کنید: نوشته مارتین ون بیجلرت، "چگونه می توان انتخابات افغانستان را برد؟" (کابل: شبکه تحلیل گران افغانستان، ۱۳۸۸). این گزارش پس از انتخابات بالای اینکه چطور اعمال و فعالیتهای این معامله گران، به همراه دیگر عوامل، باعث رای دهی مردم در روز انتخابات شدند.

۲. به روایتی دیگر: دلایل اشتراک رای دهندگان

۲,۱ وظیفه مدنی و دینی

مفهوم وظیفه مدنی یکی از مهمترین انگیزه های اشتراک مردم در رای دهی خوانده شده است. در رسانه ها و کمپینهای معلومات عمومی اغلب روی مفهوم وظیفه ملی تاکید می کردند تا باعث تشویق اشتراک در انتخابات گردند. این وظیفه به خصوص در میان جوانان شهرنشین منطقه دشت برچی، انگیزه ای قوی به نظر می رسد. رای دهندگان اکثراً به این نکته اشاره می کردند که این اولین بار است که به آنها فرصت داده شده تا در تعیین آینده کشور خویش نقش ایفا کنند. مخصوصاً آنها انتخابات دموکراتیک را با وضعیت دوره جنگهای داخلی و دوره طالبان مقایسه می کردند. یکی از مصاحبه شوندهگان از طبقه ذکور و باشند دشت برچی گفت: "ما رای دادیم چون ما از بسیاری از کشورها عقب مانده ایم و باید بسیار پیش برویم. ما می خواهیم به جامعه جهانی نشان دهیم که ما تنها در جنگ خوب نیستیم، بلکه در می توانیم پیشرفت کرده و کشور خود را توسعه دهیم." هر چند چنین احساس از طرف تمام مصاحبه شوندهگان ابراز نشد و از نظر بزرگسالان و اکثراً رای دهندگان مناطق روستایی، دموکراسی به معنی قبول کردن ارزشهای غربی و دور ماندن از رسوم خود می باشد، و این نکته بیانگر نگرانی های بیشتر در مورد معنی دموکراسی در افغانستان است.^۵

موضوعی که عموماً در رسانه های بین المللی یادآوری نشد اهمیت اسلام در گرد هم آوردن مردم به پای صندوقهای رای بود. ملای ولسوالی قره باغ در جلسه مربوط به شورای ولسوالی چند روز قبل از انتخابات صحبت می کرد و انتخاب رهبر را وظیفه دینی هر مسلمان برشمرد.^۶ دیگر مصاحبه شوندهگان بیان داشتند که مهم است تا به کاندیدی رای بدهند که یک مسلمان نیک باشد (کلمه "نیک" به مفهوم شخصی که از نگاه دینی انسان قوی باشد، است) و یا درک خوبی از اسلام داشته باشد. یک از رای دهندگان این طور توصیف کرد: "ما به شخصی رای می دهیم که اولتر از همه مسلمان باشد، دوم افغان باشد و در نهایت شخصی باشد که بتواند به مردمش خدمت کند." دیگران در واکنش به فشار جهت رای دهی به یک کاندید خاص، به این نکته اشاره کردند که در غرفه رای دهی تنها خود رای دهنده و خدایشان می باشد. چنین برخورد دینی اکثراً با مفهوم وظیفه ملی آمیخته می شود. یک رای دهنده ذکور در دشت برچی به تیم تحقیق گفت: "ما باید رای بدهیم، چون این وجیهه و مسئولیت ما است، همانطوری که وظیفه داریم نماز بخوانیم." تلفیق این دو وظیفه ملی و دینی با توجه به این عادت در افغانستان که هویت ملی و هویت دینی با هم ادغام می شوند، تعجب آور نمی باشد.^۷

۲,۲ فشار اجتماعی

در هر سه منطقه مورد مطالعه، برخی از محلات رای دهی به محفل خوشی مبدل شد که در آن ریش سفیدان بیرون مقرهای رای دهی نشست، چای می نوشیدند و با کسانی که به پای صندوقهای رای می آمدند، اختلاط می کردند. در بسیاری از موارد، کاندیدها، قومندانان و مقامات دولتی بیشتر از زمان متوقعه، بیرون ایستاده و ظاهراً به تماشای کسانی که رای داده بودند، می پرداختند. در مناطقی که از شهر دورتر بود، جوانترها با ریش سفیدان احوال پرسی می کردند و اطمینان حاصل می کردند که حضورشان به مشاهده رسیده است. در برخی موارد، مردم از مناطقی که از شهر دورتر هستند، سفر کرده و خود را به مراکز رای دهی بزرگتر در مراکز ولسوالیها می رساندند، و به کسانی که در صحنه حضور داشتند نشان می دادند که ساکنان روستای آنها سهم فعالی در انتخابات دارد. و در عملی متضاد، بسیاری از خانواده های استالیفی و قره باغی که در کابل زندگی می کردند، برای رای دادن به ولسوالی های خود برگشتند، با اینکه می توانستند در کابل در انتخابات شرکت کنند. در هر منطقه کاندیدان، معامله گران سیاسی و مقامات محلی از یک مرکز رای دهی به مرکزی دیگر می رفتند و شاهد شرکت مردم بودند. در اکثر موارد، اینان منحنی شخصیتهای سیاسی برای کاندیدهای مشخصی در روز انتخابات آشکارا کمپین نمودند، هر چند طوری که بیان شد، افراد معدودی این کار را انجام دادند. در یک مرکز رای دهی، یکی از قومندانان مکرراً به رای دهندگان می گفت "امروز یک روز مهم برای داکتر صاحب است"، که منظورش یکی از کاندیدهای محلی شورای ولایتی بود.

در دشت برچی که به شهر نزدیکتر است، کار معامله گران سیاسی در بررسی اینکه چه کسی رای داده و چه کسی نه، دشوار بود، ولی با آن هم فشاری جهت اشتراک مردم وجود داشت. مخصوصاً برای رای دهندگان جوان ذکور^۸ که در دشت برچی با آنها مصاحبه شد، رای دادن یک نوع افتخار محسوب می شد و باعث ترغیب جوانان به اشتراک در انتخابات می شد. سیستم رنگ انگشتان کسانی که رای داده بودند نیز به این ترغیب نمودن آنها افزود، زیرا تشخیص رای دهنده از رای ندهنده آسان شده بود. طوری که شنیده شد، مردان سالخورده تر در دشت برچی که بیرون محلات رای دهی دور هم جمع شده بودند،

^۵ جهت کسب معلومات بیشتر در این باره، متن بعدی خانم انا لارسن تحت عنوان "به طرف دموکراسی افغانی؟ جستجوی مالکیت دموکراسی سازی در افغانستان" (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۱۳۸۸)

^۶ مشاهدات حاصله از جلسه شورا

^۷ به مثال ارائه شده توسط توماس بارفیلد مراجعه کنید: "یک حکومت اسلامی حکومتی است که توسط مسلمانان خوب رهبری می شود، که در آن مقصود از دین روش زندگی است و نه یک ایدئولوژی در افغانستان"، در مورد سیاست مسلمانان: اکثریت گرای، مناظره، دموکراسی سازی، رابرت جفر (پرنستون، ان، جی: انتشارات پوهنتون پرنستون، ۱۳۸۴).

^۸ از زنان نیز توسط تیم تحقیقاتی مصاحبه صورت گرفت، ولی عده وسیعی از نظرات زنان به دست نیامد. در روز انتخابات، برعکس مردان، زنان بیرون مراکز رای دهی راه گشتی نمی کردند، که دلایل آن شامل نرمهای فرهنگی، تهدیدات امنیتی و وظایف خانه داری می باشد.

چگونگی حمایت، طرز برخورد، وظایف، جمعیت شناسی چرا افغان ها در سال ۱۳۸۸ رای دادند

به جوانترهای اجتماع که رنگ به انگشت نداشتند، سرزنش کرده و نصیحت می کردند که رای دهی مانند یک مسئولیت است.

۲,۳ انگیزه های مادی

در برخی از موارد، معامله گران سیاسی فشار اجتماعی را با انگیزه های مادی ادغام نموده تا مردم را تشویق به رای دهی و انتخاب کاندید مشخص نمایند. هر چند که محققین واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در روز انتخابات با هیچ شواهد مستقیمی مبنی بر تبادل پول یا اجناس روبرو نشدند، ولی بنا به شایعه ها این گونه موارد در برخی مناطق واقع گردیده است. به عنوان مثال گفته می شود که ملکهها مخصوصاً در مناطق روستایی، به خاطر جمع آوری تعداد معینی کارت رای دهی پول دریافت نموده اند. در اقدامی که کمتر آشکار می باشد، کمیتهای ریاست جمهوری برنامه هایی را ترتیب می کردند تا از تعداد زیادی از مردم برای صرف طعام میزبانی کرده و باعث جلب توجه آنها گردند. هر چند این تخنیک به اندازه ای استفاده شد که رای دهندگان در هر سه منطقه به شوخی می گفتند که می توان نان چند کاندید را در یک روز خورد. بعضی ها در این محافل آشکارا بیان می داشتند که نان یک کاندید را می پذیرفتند ولی این امر مسیر رای دهی آنها را تعیین نمی کند. چندین رای دهنده ابراز داشتند که این بار آنها از احزاب سیاسی و کاندیدها استفاده خواهند برد، در حالی که در انتخابات پیشین احزاب بودند که از مردم استفاده کردند. این نکته بیانگر این موضوع است که مردم عوام با سیستم انتخابات و طرق و روشهایی که کاندیدها جهت کسب رای استفاده می کنند، آشنایی بیشتری یافته اند.

در روز انتخابات کاندیدها و کمپین کنندگان در ولسوالی قره باغ تکسی ها را کرایه می کردند تا به مناطق دوردست رفته و رای دهندگان را به پای صندوق برسانند. تیل موثر تکسی ها فراهم می شد تا مخصوصاً زنان را که احتمال پیاده روی مضافت های طولانی برای آنها کم است، به مراکز رای دهی برسانند. یکی از این رانندگان بیان داشت که به وی گفته شده بود تا مستقیماً به رای دهندگان نگوید که به کی رای بدهند، ولی در عوض تا زمانی که آنها به پای صندوقها می رسند از کاندیدهای مشخص تعریف و تمجید نماید. هر چند که تشویق های مادی از این قبیل در قبال اینکه کسی رای بدهد یا به شخص خاصی رای بدهد، چندان موثر به نظر نمی رسید. حتی پرداخت معاش به کمپاین کنندگان چندان ضامن وفاداری آنها نبود - یکی از کارمندان کمپین که برای کرسی در قره باغ کمپین می کرد، گفت آرزو دارد کرسی در دوره اول برنده نشود تا اینکه وی الی دوره دوم در اکتوبر وظیفه دار بماند. همچنان رای دهندگان روشی را اختیار می کردند تا در عین زمان به بیشتر از یک کاندید حمایت خود را اعلان کنند. بیرون از یکی از مراکز رای دهی یک گروه از ریش سفیدان با صدایی بلند وفاداری خود را نسبت به کاندیدی که نزدیک مرکز توقف کرد، اعلان کردند، و بلافاصله چند دقیقه بعد از اینکه کاندید محل را ترک کرد، وفاداری خود را به یک کاندید دیگر ابراز داشتند. با تظاهر به حمایت از چندین کاندید، این افراد با نفوذ جامعه در واقع احتمال منفعت خویش را افزایش دادند - منفعتی که در آینده نصیبشان خواهد شد. به جای تمرکز بالای یک کاندید و امید به اینکه وی برسد، ایشان تعداد برندگان احتمالی را چند برابر کردند تا اینکه بتوانند در آینده از آنها به عنوان منبع درآمدی استفاده کنند.

۲,۴ تمایل نمایش قوت جامعه

در قره باغ محققان مکرراً متوجه شدند که ولسوال و دیگر ریش سفیدان مردم را تشویق می کردند که رای بدهند زیرا این امر نشاندهنده اقتدار قره باغ در مقایسه با دیگر ولسوالی های منطقه می بود. یکی از رای دهندگان این موضوع را به وضاحت بیان کرد و گفت "به دو دلیل رای دادن ما مهم است: اول، زیرا با انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مردم، ما آینده افغانستان را رقم می زنیم و دوم، ما می خواهیم میزان رای ما از تمام ولسوالی های دیگر بلندتر باشد." این موضوع به دلیل نداشتن سرشماری معتبر اهمیت خاص پیدا کرد - طوری که به نظر می رسید مقامات محلی تلاش کردند تا از شمارش تعداد رای دهندگان حاضر در پای صندوقهای رای در بدل روشی برای تعیین سرشماری استفاده کنند، تا تعداد نفوس ولسوالیشان را زیاده تر اثبات کرده و خدمات بیشتر برای آن ولسوالی را توجیح کنند. حضور هر چه بیشتر مردم در انتخابات صرف نشان دهنده قوی بودن بعضی از ولسوالیها نمی باشد. رئیس شورای ولسوالی قره باغ در یک جلسه در سطح ولسوالی به این نکته اشاره کرد که اشتراک هر چه بیشتر مردم در انتخابات، به اجتماع کمک می کند تا مساعدتهای بیشتری از سازمانهای غیر دولتی بین المللی طلب نمایند.

دشت برچی با توجه به اینکه بیشتر به شهر نزدیک بوده و ولسوالی جدایی چون قره باغ و استالیف نیست، چنین محدودیت هایی ندارد، و این خود باعث تشکیل ساحه نفوذ سیاسی متفاوتی می گردد. مباحثه های ما بین مصاحبه شوندهگان بالای رای دادن به خاطر قویتر جلوه دادن و پر نفوس جلوه دادن اجتماع هزاره معمولاً به راحتی صورت می گرفت، ولی منظور از "اجتماع" تمام قوم هزاره بود و نه صرف باشندگان دشت برچی. مصاحبه شوندهگان بیاد داشتند که جمعه های هفته های قبل از انتخابات مالاها مردم را به رای دادن تشویق می کردند تا نشان دهند که آنها نیروهایی هستند که باید جدی گرفته شوند؛ که هزاره ها به عنوان اقلیتی نچندان کوچک، در انتخابات جمعیتی ارزشمند به شمار آمده، فلذا قابل پاداش اند. موضوع یکپارچگی هزاره ها (هم از دید افغانها و هم از دید خارجی ها) با یکپارچگی اهل تشیع ادغام شد، و ممکن است که اشاره مالاها مذکور به افزایش نفوذ سیاسی هم اهل تشیع (که عموماً مردم هزاره می باشند) و هم مردم هزاره (که اکثر شیعه می باشند) بوده باشد. به هر صورت، این موضوع نشان میدهد که بزرگان دینی دشت برچی (مانند سایر مناطق) در امر منسجم نمودن مردم هزاره منحیت یک گروه قومی رای دهنده، از عوامل سیاسی مهم به شمار می آیند.

با وجود این، مردم دشت برچی به طور مضاعف نگران محدود شدن منافع به محلات خاص بودند، طوری که در انتخابات نمایندگان شورای ولایتی اتفاق

افتاد، که البته پوشش خبری این انتخابات توسط انتخابات ریاست جمهوری تحت الشعاع قرار گرفت. بسیاری از باشندگان در مورد نیاز به انتخاب نماینده ای که باشنده محلات نزدیک به آنها باشد، صحبت می کردند. مردم به سه دلیل چنین می خواستند؛ دلیل اول؛ تا بتوانند به نماینده شان راحتتر دسترسی داشته باشند. دوم، تا نماینده انتخابی آنها ارائه مواد و خدمات را به منطقه محلی آنها تسهیل بخشد. و دلیل سوم اینکه رای دهندگان در جریان معاشرت و زندگی همجوار با کاندید مورد نظرشان آشنایی برقرار نموده اند.^۹ بنابراین طوری که به نظر می رسد علاوه بر ضرورت یکپارچه جلوه دادن قوم هزاره، موضوع دیگری که مردم را به پای صندوقها کشاند علاقه ابراز و رسیدگی به منافع گروه های مشخص محلی، بود.

۲,۵ سوار شدن بر اسب پیروزی

تمایل رای دهندگان به سوار شدن بر اسب پیروزی در افغانستان در مطالعات دیگر هم به چشم خورده است^{۱۰}، تحقیقات انجام شده برای گزارش حاضر نشان می دهد که موجودیت امکان حمایت از کاندیدی که انتظار می رود برنده گردد، خود دلیلی برای رای دهی می باشد. این امر دقیقاً تبادله رای با تشویق های مادی نیست. در واقع این طریقی برای ابراز وفاداری به یک کاندید است با این امید که در آینده احتمالاً همکاری متقابل انجام شده و مادیات بدست می آید. رای دهندگان در هر سه منطقه تحت مطالعه بیان داشتند که اگر یک منطقه از یک کاندید برنده حمایت کرده باشد، مردم آن منطقه می توانند بزرگان خود را به کابل فرستاده و به دلیل اینکه آنها در انتخابات از کاندید (رئیس جمهور) حمایت کرده اند، تقاضای کمک مادی بیشتری از دولت نمایند.

حد انتظارات حمایت پس از انتخابات بیشتر از ملاحظات محلی بود. یکی از مصاحبه شوندهگان در این باره گفت: "ما به کززی رای دادیم زیرا محقق و خلیلی با کززی قرارداد امضا کرده اند که برای ما کاری انجام دهد، مثلاً تنازعات بالای زمین در بهسود را حل و فصل نماید و یا جاغوری را به یک ولایت مستقل میدل سازد." در حالی که این مسائل هر دو مختص به نفوس هزاره است، تمایل به معامله با کاندیدهای ریاست جمهوری ما بین رهبران قومی و منطقوی تمام گروه ها امری رایج می باشد، طوری که در مقابل رای گروهی از مردم، وعده ارائه خدمات را می پذیرند. این "خدمات" شامل وعده زمین، پروژه های فواید عامه، وعده وزارتخانه و یا ولایت می باشد. احتمال دریافت این امتیازات خود دلیل رای دادن آنها را تشکیل می دهد، که مربوط به حمایت از کاندید برنده به همراه دریافت امتیازات مادی می باشد.

در استالیف رای دهندگان با نوعی تردید مواجه شدند، زیرا از آنجایی که ساکنان استالیف تاجیک می باشند و تاجیکها از رئیس مرحوم حزب اتحاد شمال احمدشاه مسعود حمایت می کنند، بیشتر تاجیکها به عبدالله از هم پیمانان نزدیک احمد شاه مسعود رای دادند. هر چند در روزهای ابتدایی کمپاین، باور عمومی به این بود که عبدالله چانس کمی برای برنده شدن دارد. بنابراین رای دادن به عبدالله در واقع هدر دادن رای ها محسوب می شد و بزرگان جوانان را تشویق می کردند تا کززی را انتخاب کنند با این امید که در آینده از طرف دولت خدمات دریافت نمایند. همانطوری که هفته های آخر کمپین نزدیک می شد، از تعداد کمی از استالیفی ها شنیده می شد که از کززی حمایت کنند. هر چند برخی از بزرگان محل به ضرورت حمایت از کززی تاکید می کردند.

موضوعی که جالب است اینکه این امر در انتخابات شورای ولایتی نیز اتفاق افتاد، طوری که بنا بر گزارشات رسیده، برخی بزرگسالان و شخصیتهای متنفذ به صورت آشکار در مراکز رای دهی به کاندیدها بیان نمودند که به کاندیدها به این دلیل می دهند تا در آینده حاصل رای خود را درو کنند. چه آرا به نفع کاندیدهای مشخص در صندوق ریخته می شد چه نمی شد، تظاهر به حمایتی از این قبیل وجود داشت. درست است که این موضوع بیانگر بی ثباتی حمایت رای دهندگان از کاندیدها مشخص است، ولی در عین حال بیانگر تاکید بالای منفعت شخصی در جریان انتخابات بوده و همچنان نشان می دهد که افراد تا چه اندازه می توانند از سیستم موجود جهت کسب منفعت شخصی استفاده نمایند.

۳. چرا میزان اشتراک مردم بیشتر نبود؟

با اینکه میزان اشتراک مردم در مناطق مورد مطالعه^{۱۱} نسبتاً بلند بود، با نظرداشت بعضی از حالات، عوامل کلیدی وجود داشت که مانع افزایش رای دهندگان در روز انتخابات گردید، که از این موارد می توان مخصوصاً به عدم آشنایی با سیستم رای دهی و نورمهای اجتماعی اشاره کرد. هر چند در روزهای نزدیک انتخابات، رسانه ها بالای مشکلات امنیتی تاکید می کردند، تنها تعداد کمی از رای دهندگان در مناطق مورد مطالعه مشکلات امنیتی را عامل مهمی در رای دادن و یا عدم رای دادنشان خطاب کردند. به طور عموم، تدابیر امنیتی مستحکمی در چهاراطراف مراکز رای دهی توسط اردوی ملی، پولیس ملی و

^۹ این موضوع در تضاد با نظر بسیاری از مردم است. آنها می گویند شوراهای ولایتی ارگانهای کارآ و ارائه کننده خدمات نیستند. به هر حال این یکی از انتظاراتی بود که توسط شماری از مصاحبه شوندهگان مطرح شد.

^{۱۰} برای کسب معلومات بیشتر در مورد اهمیت آشنایی، گزارش آتی انا لارسن را مطالعه کنید: "به طرف یک دموکراسی افغانی"

^{۱۱} به عنوان مثال گزارش مارتین وِن بجلرت، "چطور می توان در انتخابات افغانستان برنده شد؟"

^{۱۲} این ادعا بر بنیاد گفته های محققین واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان صورت می گیرد که در روز انتخابات در هر منطقه مستقر بودند، زیرا آمار کمیسیون مستقل انتخابات در مورد اشتراک مردم در ولسوالی های تا آن زمان موجود نبود. بنا به گزارش بی بی سی، ابتداءً کمیسیون تخمین نموده بود که حضور سرتاسری ۴۰ تا ۴۵ فیصد خواهد بود؛ بی بی سی، ۳۰ اسد ۱۳۸۸، http://news.bbc.co.uk/2/hi/south_asia/8213374.stm. هر چند ارقام ضد و نقیض از طرف کمیسیون و منابع مختلف بیان شده است، و هیچ توافقی بالای ارقام حضور سرتاسری وجود ندارد.

چگونگی حمایت، طرز برخورد، وظایف، جمعیت شناسی چرا افغان ها در سال ۱۳۸۸ رای دادند

افسران لباس شخصی ریاست امنیت ملی اتخاذ شده بود، که رای دهندگان را بازرسی، اسلحه مردم را ضبط و نظم را در صفوف رای دهی برقرار می کردند. گزارشات مربوط به چندین حمله کوچک در صبح روز انتخابات ظاهراً سیل مردم را به طرف صندوقهای رای دهی کاهش نداد.

ناآشنایی با پروسه ثبت نام و پروسه مربوط به روز انتخابات مانع رای دهی بسیاری گردید و یا صحیح بودن آرا را به مخاطره انداخت. شکایات اصلی از طرف رای دهندگان احتمالی بود که کارتهای رای دهی خود را گم کرده بودند (و بنابراین رای داده نمی توانستند)، و همچنان از طرف رای دهندگانی که با برگه رای دهی چند صفحه ای مربوط به شورای ولایتی که دارای ۵۲۴ کاندید بود، راه گم شده بودند. در روزهای نزدیک به انتخابات نیز، این نگرانی ها من حیث دلایل عدم اشتراک در انتخابات از طرف مصاحبه شوندگان مطرح شد.

قبل از انتخابات نگرانی عمده نسبت به حضور کم رنگ زنان در انتخابات وجود داشت و در بسیاری از محلات این نگرانی ماهیت عملی به خود پوشاند. در بعضی از مراکز رای دهی در قره باغ و استالیف حتی پیدا کردن موقعیت بخش مربوط به زنان توسط تیم تحقیقاتی مشکل شده بود، چه برسد به اینکه میزان اشتراک زنان را بسنجند. در مراکز که صفوف رای دهی زنان قابل مشاهده بود، تعداد کمی برای اشتراک حاضر شده بودند. با توجه به نورمهای اجتماعی حاکم در این مناطق، که عموماً محافظه کارانه می باشد، این امر بدور از انتظار نبود. هر چند در دشت برچی کاملاً بر عکس بود و تعداد زنان و مردان رای دهنده با یکدیگر برابر بود.

۴. نتیجه گیری ها و پیامدها

این سند نشان داد که مشوقهای اشتراک مردم ولایت کابل در انتخابات متنوع بوده که شامل طیفی چون نگرانی های فردی، نگرانیهای مربوط به اجتماع محلی، و نگرانی های قومی و ملی می شد. ولی این موضوع در قبال ارتباط با انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ چه مفهومی دارد؟ سند مباحثوی آتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد بیشتر بحث خواهد نمود، ولی یافته های ابتدایی به قرار ذیل اند:

برای دور عاجل بعد از انتخابات

- معامله هایی بین کاندیدها و معامله گران سیاسی بلندرتبه (مانند رهبران قومی) صورت گرفت که شامل وعده های غیر معقول (از هموار کردن سرک قریه جات گرفته تا ارتقای ولسوالی به ولایت، و وزارتخانه ها و ولایت به قومیتهای مشخص) که اگر به آن رسیده گی صورت نگیرد باعث تحریک واکنشهای چون تداوم عدم مشروعیت بخشی به دولت و یا تنازعات قومی شده می تواند.
- قضاوت رای دهندگان در مورد موفقیت انتخابات فراتر از اینکه آیا کاندیدشان برنده شده یا نه، خواهد بود، به دلیل آنکه دلایل متعددی برای رای دهی وجود داشت و نه تمام این دلایل بر برنده شدن یک کاندید مشخص استوار بود. این امر موضع حمایتی رای دهندگان را متغیر می سازد، و در صورت بروز هر گونه تنازع یا خشونت پس از انتخابات، و در صورت برگزاری دور دوم انتخابات، نباید تصور کرد که آنها به کاندیدهایی که در دور اول به آنها رای دادند، وفادار خواهند ماند.

برای انتخابات آینده ولسی جرگه:

- شرکت در انتخابات التزاماً به معنی پذیرش قلبی دموکراسی و دموکراسی سازی در افغانستان نمی باشد. نمی توان چنین تصور کرد که صرف به دلیل اشتراک مردم در انتخابات، کشور به دموکراسی رسیده است. هر چند، این تحقیق متوجه شوق و علاقه بسیاری از مردم ولسوالی های مورد مطالعه جهت شرکت در انتخابات شد که دلایل مختلف دارد.
- جهت موفقیت، کاندیدهای انتخابات ولسی جرگه احتیاج به کمپاینهای انعطاف پذیر و متنوع می باشند که به رای دهندگان انگیزه های متفاوت و در عین حال نه چندان آشکار بدهند. احتمال آن می رود که رای دهندگان کاندیدهای ولسی جرگه را بر بنیاد نگرانی های محلی خود انتخاب نمایند. همچنین احتمال دارد که اجتماعات محلی تلاش به بکارگیری استراتژیهای جمعی جهت انتخاب یک کاندید مشخص که با وی آشنایی دارند، نمایند. هر چند میزان موفقیت این استراتژیها متفاوت است.
- انسجام دهندگان سیاسی ترکیب متنوعی خواهد داشت. در بسیاری از موارد ملاها و دیگر رهبران دینی ممکن از شخصیتهای اصلی جهت ترغیب رای دهندگان به اشتراک در انتخابات، باشند، ولی در عین حال واضح است که عده دیگری از فعالین از قبیل ریش سفیدان و جوانان فعال در سیاست، نقش مهمی در این امر خواهند داشت.
- اگر کاندیدان این انتخابات طوری به نظر برسند که بدلیل پیشکش نمودن حد اکثر امتیازات مادی برنده شده اند، بدینی ها نسبت به پروسه انتخابات ۱۳۸۹ افزایش خواهد یافت. استراتژیهای بیشتری توسط معامله گران سیاسی روی دست خواهد گرفته شد تا حد اکثر فایده های مادی و امتیازات را

از کاندیدها بدست آورند. همچنان، اگر وعده های داده شده در سال ۱۳۸۸ جامه عمل به خود نپوشانند، بی اعتمادی نسبت به دولت ممکن منتج به حداقل اشتراک در انتخابات سال ۱۳۸۹ گردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک سازمان تحقیقاتی مستقل است که تحقیقات عمل گرا را اجرا و تسهیل کرده و دانش آگاهی بخش و موثر بر مبنای عملکرد را مد نظر قرار می دهد .
واحد تحقیق و ارزیابی به گونه فعال از طریق تقویت ظرفیت تحلیلی در افغانستان و خلق فرصت های تحلیل و تبادل نظر، فرهنگ تحقیق و یادگیری را ارتقاء میبخشد. مهمترین اصل در
بیش واحد ارزیابی و تحقیق افغانستان، ارتقاء زندگی افغان ها است.

تمام نشریات AREU را می توانید از وب سایت www.areu.org.af داونلود نمایید و همچنین نسخه های چاپی را نیز می توانید از دفتر AREU به دست آورید.

جاده گلروشی (نبش سرک ۲)، شهرنو، کابل، افغانستان

وب سایت: www.areu.org.af ایمیل: areu@areu.org.af تلفیون: ۵۸۴ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+